



شب کمال اطهاری

به پاسداشت چنددهه فعالیت در حوزه اقتصاد سیاسی و توسعه، برنامه‌ریزی مسکن و فضایی و روزنامه‌نگاری، هشتصدوشصت‌ودومین شب از سلسله‌شب‌های مجله بخارا به تجلیل از کمال اطهاری اختصاص یافته است. در این نشست که ساعت پنج بعدازظهر دوشنبه نهم تیرماه ۱۴۰۴ در خانه هنرمندان برگ‌زار خواهد شد، اکرم صالح‌جو، مجید غمami، پرویس صداقت، مریم کهنسال‌نودهی، مژگان احمدیه و علی دهباشی سخنرانی خواهند کرد. کمال اطهاری متولد سال ۱۳۳۰، پژوهشگر اقتصاددان است. نوعی دیگر از فعالیت او، روزنامه‌نگاری بوده است. این فعالیت را از انتهای دهه ۱۳۶۰ با همکاری با نشریاتی چون «ایران فردا» آغاز کرده، و در تحریر به نشریات تخصصی مسکن و شهرسازی نیز حضور داشته است. او در راه‌اندازی صفحات اقتصادی بیشتر روزنامه‌های دهه ۱۳۷۰ شرکت داشته و همکاری اش را با رسانه‌ها وسایت‌ها برای نشر دانش توسعه‌بخش ادامه داده است.



خیمه هنر بر پا شد

پروژه «خیمه هنر» که توسط معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب محفل عاشورایی هنرمندان طراحی شده است، دوشب اول محرم در تالار رودکی برگزار شد. اجرای چندین برنامه در حوزه نواها و نغمه‌های عاشورایی، اجرای ۱۰ مجلس شبیه‌خوانی با حضور هنرمندان مطرح این عرصه، اجرای آیین نوحه‌خوانی با حضور هنرمندان باسابقه آثار آیینی و تعدادی از خوانندگان مطرح موسیقی، اجرای اپرای عروسکی «عاشورا» به کارگردانی بهروز غریب‌پور در تالار حافظ، برپایی چند نمایشگاه موضوعی حوزه هنرهای تجسمی مرتبط باایام گرامی محرم وصفر، برگزاری چندین ویژه‌برنامه موسیقایی در قالب اجرای آیین‌های ویژه‌شهادت حضرت سیدالشهدا در سبک‌های مختلف، برگزاری چندین جلسه‌نمایشنامه‌خوانی با حضور هنرمندان مطرح عرصه تئاتر، برگزاری چندین برنامه شعرخوانی، اجرای چندین برنامه موسیقایی ویژه، تنظیم و اجرای مارش‌های عزا و سوگ با همراهی گروهی از نوازندگان سازهای بادی ازجمله‌بخش‌های مختلفی است که در پروژه «خیمه هنر» پیش‌روی شهروندان قرار خواهد گرفت.



۹ شهید رسانه

رئیس سازمان بسیج رسانه اعلام کرد، در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر، ۹ نفر از فعالان رسانه‌ای کشور در حملات مستقیم وهدفمند رژیم صهیونیستی، به‌شهادت رسیدند. به گزارش ایسنا، مرتضی کارآموزیان با گرامیداشت یاد شهدای رسانه‌ای این نبرد گفت: «در میان این شهدا، دو نفر از کارکنان رسانه ملی شامل شهیده معصومه عظیمی وشهید نیما رجب‌پور، در پی حمله مستقیم به ساختمان شیشه‌ای صد اوسیمما به شهادت رسیدند.» او افزود: «همچنین از سه خبرنگاری معتبر ما - شهیده فرشته باقری از خبرنگاری دفاع مقدس وشهید احسان ذاکری، خبرنگار خبرگزاری ایکتا ودفاع مقدس، به‌همراه سه نفر از فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران وابسته به روابط عمومی بسیج و رسانه بسیج نیز شامل شهید علی طهماسبی، شهید معین نظری و شهید رمضان علی چوبداری - مسئول روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز - به شهادت رسیدند. همچنین شهید امیرحسین طابوسی، مدیر کانال روشنا وشهید محمدجواد الوندی از بنیاد رسانه‌ای بیان، دیگر شهدای مظلوم رسانه‌ای کشور در این جنگ ترکیبی هستند.»

فرهنگ

CULTURE

۱۴



▲ داریوش رضایی‌نژاد



▲ سلیمان سلیمانی



▲ عبدالحمید مینوچهر



▲ مسعود علی محمدی



▲ فریدون عباسی دوانی



▲ مصطفی احمدی روشن



▲ محسن فخری‌زاده مهابادی



▲ مجید شهریاری



▲ محمد مهدی طهرانچی

روایت، خود میدان نمبرد

نگاهی تحلیلی به چارچوب‌های روایی دانشمندان هسته‌ای در رسانه‌های غربی: از قهرمان‌سازی اوپنهایمر تا ترور نخبگان ایرانی

موضوع فنی مرتبط با رعایت قواعد و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حق ذاتی، که شمشیر داموکلسی بالای سر اسرائیل ونظم جهانی ترسیم کردند. آمریکا واسرائیل، این روایت را ساختند؛ با دیگری‌سازی مستمر. ایران شد دولت غیرعقلانی، منزوی و غیرقابل اعتماد، همان کشوری که بازدارندگی متعارف برایش کار نمی‌کند، چون منطق وعقلانیت‌اش با دیگران فرق دارد. در این روایت ساخت‌وساز گفتاری حیاتی است: زیرا بر این فرض استوار شده بازدارندگی که مبنای کارآمدی برای استراتژی هسته‌ای دولت‌های مختلف است، درباره ایران به‌تهدیدی آخرالزمانی تبدیل شد. در حالی که اوپنهایمر در چارچوب یک جنگ جهانی اعلام‌شده علیه دشمنی دولتی فعالیت می‌کرد، دانشمندان ایرانی در بستری میهم‌تر از برنامه‌های مخفیانه وسوء‌ظن بین‌المللی کار می‌کنند. عنصر بنیادین این روایت اسرائیلی و غربی، برقراری رابطه جز به کل میان دانشمندان هسته‌ای و کشور ایران به‌مثابه یک «دولت سرکش» وتوجیه‌گری برای حذف فیزیکی آن‌هاست. برخلاف ایالات‌متحده در دهه ۱۹۴۰، که یک قدرت بزرگ شناخته‌شده در حال جنگی متعارف بود، تلاش ایران و دانشمندان آن برای دستیابی به توانایی هسته‌ای نه‌به‌یک اقدام مشروع، که حرکتی ذاتاًتهاجمی وخطرناک توسط یک بازیگر غیرمنطقی تلقی می‌شود. بنابراین خود برنامه نامشروع تلقی شده و افرادی که آن را ممکن می‌سازند نیز چنین هستند. در این روایت ترور دانشمندان هسته‌ای ایران نه‌یک اقدام جنگی، بلکه اقدامی پیشگیرانه صورت‌بندی می‌شود که تمایز و تفاوت ماهوی وبنیادین باتجربه اوپنهایمر دارد.

▼ انسان‌زدایی از هدف و مسئله ترور

امنیتی‌سازی موفق برنامه هسته‌ای ایران اثری عمیق داشت: اقداماتی که پیش‌تر غیرقابل‌تصور بودند را نعتیها مشروع، بلکه ضروری وحتی عاقلانه‌جلوه می‌دهد. در منطق نظریه‌امنیتی‌سازی، بازیگران اجازه‌دارند از محدودیت‌های نهادی وعرف‌های بین‌المللی توافق‌شده رها شوند در عمل این یعنی تحریم‌های فلج‌کننده برای درهم‌شکستن اقتصاد ایران، جنگ‌های سایبری پیچیده نظیر ویروس استاکس‌نت که ساتنر فیزیوهای هسته‌ای را فیزیکی تخریب کرد و حمله مستقیم و ترور هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده. ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی اوج این ضرورت‌های عملیاتی گفتمان امنیتی‌سازی است. اما نقش رسانه‌ها اینجا حیاتی است. پوشش خبری این ترورها بخش جدایی‌ناپذیر امنیتی‌سازی است. در اینجا اقدام به حذف فیزیکی، انتخاب منطقی برای مواجهه با تهدیدی وجودی، بسته‌بندی رسانه‌ای می‌شود و انعکاس می‌یابد. به زبانی دیگر، انسان‌زدایی از هدف مولفه‌ای کلیدی در روایت محور اسرائیلی- غربی از کشتن نخبگان علمی ایران است. برخلاف فیلم اوپنهایمر که نولان کوشیده با نمایش هدفمند آشفته‌گی‌های درونی او، بر جذابیت سینمایی اثر بیفزاید، از دانشمندان ایرانی مطلقاً در رسانه‌های غربی چنین تصویری ساخته‌نمی‌شوند. در چنین فضایی دانشمندان ایرانی به‌ندرت انسان‌انگاره روایت می‌شوند. آن‌ها در رسانه‌ها نه‌به‌عنوان انسان‌هایی با خانواده، انگیزه‌های شخصی یا دغدغه‌های علمی، بلکه فقط در قالب «اهداف» و «اجزای برنامه تهدیدآمیز» بازنامی می‌شوند. هر نامی که از فهرست دانشمندان ارشد هسته‌ای پاک می‌شود، در رسانه‌ها به‌عنوان ضربه‌ای بزرگ جشن گرفته می‌شود و هیچ‌کس هم نمی‌پرسد این آدم‌ها که بودند

شد و از اینکه نابودگر دنیا لقب گرفت، رنج می‌کشید. در روایت غربی و حتی در فیلم نولان، هیچ ابایی از به‌تصویر کشیدن پیامدهای هولناک ساختن بمب وبن‌بست‌های اخلاقی خالق آن وجود ندارد و اوپنهایمر با وجود تعارضات درونی ویشیمانی تلویجی‌اش هرگز به شخصیتی ضرور تبدیل نمی‌شود. برعکس او به‌عنوان قهرمانی تراژیک شناخته می‌شود که با هوش و قریحه بی‌نظیر و جاه‌طلبی ومیهن‌پرستی الگوار خود، به یک چالش تاریخی بین‌المللی پاسخ درست می‌دهد. در اینجا موفقیت آنچنان بر جسته و در بستر زمان فهم، تفسیر و بازتاب می‌یابد که زندگی کردن قهرمان یا بار وحشتناک دستاورد خود مطلقاً اهمیتی ندارد وای‌پسا که نکوهش هم می‌شود، این چرخش روایی بسیار دقیقی است. به‌گونه‌ای که در جلسه رسیدگی به صلاحیت امنیتی‌اش در سال ۱۹۵۴ اوپنهایمر به این دلیل تجلیل می‌شود که مردی درخشان بود که زمان بحران، کاری را که کشورش از او خواسته بود، انجام داد و حالا که با پیامدهای اخلاقی آن دست‌وپنجه نرم می‌کند هم اهمیتی ندارد.

▼ امنیت در دل کلمات ساخته می‌شود

در حالی که داستان اوپنهایمر به یک تراز‌دی قهرمانانه تبدیل می‌شود، روایت دانشمندان هسته‌ای ایرانی صرفاً تهدید است. اگر اوپنهایمر مردی باوجدان بود که در پیج‌وتاب مسئولیت گرفتار شد و با قدرت علم، مخلوقی خلق کرد که دست آخر خودش را هم بلعید، اما در همین جهان و چنددهه بعد، چهره دیگری از دانشمندان هسته‌ای ساخته می‌شود که هیچ نشانی از چهره انسانی اوپنهایمر ندارد؛ دانشمند ایرانی، مهندسی که در آزمایشگاه یا دانشگاهی در تهران یا کرمان یا شیراز مشغول پژوهش است، ناگهان در قاب رسانه‌ها به‌هدف مشروع تبدیل می‌شود. او نه دانشمند، که تهدید است؛ و اگر روزی در پیج کوچهای یا در کمین جاده‌ای با بمب‌گذاری یا شلیک یک تکتیرانداز یا پهپادی انتحاری ترور شود، خبرگزاری‌ها او را با عدد و کد عملیات می‌شمارند، نه با اسم کوچک ودفتر یادداشت‌هایش. راز این وارونگی را مفهوم امنیتی‌سازی توضیح می‌دهد: نظریه‌ای که مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی پرورده است تا بگوید امنیت، واقعیتی مطلق نیست و امنیت را نمی‌توان مثل دنیای پیرامون‌مان اندازه گرفت و محاسبه کرد. امنیت ساخته می‌شود، آن هم از دل روایت‌ها و از دل کلمات. یک سیاستمدار، یک دولت، یک رسانه؛ کافی است کسی بتواند موضوعی را با قدرت کلام به تهدیدی وجودی تبدیل کند و از آنجا به‌بعد، راه برای هر اقدامی خواه تحریم وحمله نظامی باشد، خواه ترور وتجزیه سرزمینی باز می‌شود. چارچوبی که نشان می‌دهد چطور می‌توان موضوعی را که ذاتاً فنی است، به تهدیدی وجودی تبدیل کرد؛ در اینجا سازه‌ای اجتماعی است وزمانی یک موضوع شکل تهدید امنیتی به خود می‌گیرد که عاملی با شرح وظیفه وتخصص‌اش در امنیتی‌سازی است، با قدرت کلامی خود، مخاطبان را متقاعد کند که خطر وتهدیدی عمیق علیه نظم وموجودیت ارزشمند فعلی شکل گرفته است. در نتیجه از دل همین روایت، اقداماتی خارج از قواعد ونرم‌های سیاسی بین‌المللی منطقی وحتی لازم جلوه داده می‌شود.

درباره برنامه‌ی هسته‌ای ایران، عوامل امنیتی‌ساز اصلی، ایالات‌متحده و اسرائیل هستند. برای دهه‌ها، کار اصلی رهبران سیاسی ومقام‌های امنیتی آن‌ها شرکت فعالانه در همین «عملی گفتاری» بوده است. آنها بی‌وقفه برنامه ایران را نه‌به‌عنوان یک



مسعود شاه‌حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ



درحالی‌که داستان اوپنهایمر به یک تراژدی قهرمانانه تبدیل می‌شود، روایت دانشمندان هسته‌ای ایرانی صرفاً تهدید است. اگر اوپنهایمر مردی باوجدان بود که در پیج‌وتاب مسئولیت گرفتار شد و با قدرت علم، مخلوقی خلق کرد که دست آخر خودش را هم بلعید، اما در همین جهان و چنددهه بعد، چهره دیگری از دانشمندان هسته‌ای ساخته می‌شود که هیچ نشانی از چهره انسانی اوپنهایمر ندارد؛ دانشمند ایرانی، مهندسی که در آزمایشگاه یا دانشگاهی در تهران یا کرمان یا شیراز مشغول پژوهش است، ناگهان در قاب رسانه‌ها به‌هدف مشروع تبدیل می‌شود.

▼ کشفی بزرگ برای نجات جهان

تصویر قهرمانانه از جی. رابرت اوپنهایمر از بستر تاریخی و اخلاقی که کار او در آن انجام شد، یعنی جنگ جهانی دوم، جدایی‌ناپذیر است. در آگاهی غربی، جنگ جهانی دوم، فراتر از یک جنگ، رویداد اخلاقی بنیادین علیه شرارت بی‌چون‌وچرای فاشیسم بود که به‌شکل جنگ خوب فهم می‌شد. این طرز تلقی، توجیهی عقلانی و اخلاقی برای «پروژه منهن» را فراهم آورده بود. درواقع روایت پروژه منهن مسابقه با زمان بود. ترس اصلی، همانطور که آلبرت اینشتین در نامه سال ۱۹۳۹ خود به روزرولت بیان کرد، این بود که آلمان‌ها، با دانشمندان برجسته خود مثل ورنر هایزنبرگ، پیش از جبهه متفقین به بمب اتمی دست یابند. این چارچوب‌بندی، پروژه را از یک اقدام تهاجمی به یک اقدام دفاعی فوری و وجودی تبدیل می‌کند. در این روایت، اوپنهایمر وتیم‌اش نه جنگ‌طلبانی جیره‌خوار دولت، که سربازان علمی در خط مقدم جنگ بر حق بودند که برای جلوگیری از یک سناریوی آخرالزمانی تلاش می‌کردند. آنچه نولان هم در فیلم اوپنهایمر استنادانه و به‌خوبی نشان می‌دهد، همین فشارها وتلاش‌های دیوانه‌وار گروهی از دانشمندان وسیاستمداران برای شکست دادن است. اگر فیلم را تماشا کرده باشید، می‌دانید که اوپنهایمر بعد از موفقیت در ساختن بمب اتمی، دچار عذاب وجدان